



Analysis of the Supreme Leader’s Perspective on the Issue of America(Based on Rubinstein and Smith’s Theory)

Mohammadreza Salehi Vathigh¹ | Sajad Chitforoush² | Ali Akbarpour Alamajoghi³

Vol. 4
Summer 2024

DOR: 20.1001.1.28210247.1403.4.14.1.1

Research Paper

Received:
29 September 2024

Revised:
03 December 2024

Accepted:
10 December 2024

Published:
16 December 2024

P.P: 11-36

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743



Abstract

The nature of engagement with the United States has been a fundamental issue since the onset of the Islamic Revolution. However, this subject has received limited theoretical attention within the discourse of the Islamic Revolution and the thoughts of the Supreme Leader. By examining the Leader’s viewpoints, a deeper understanding of the ideological foundations that guide the Islamic Republic of Iran’s stance toward the United States can be achieved. In this context, the research addresses the question: How can the issue of America in the Supreme Leader’s thought be explained within the framework of Rubinstein and Smith’s theory? The hypothesis suggests that his confrontational stance toward the United States since the Islamic Revolution is shaped by both the revolutionary nature of the Iranian government and the interventionist policies and actions of the United States. This outlook has resulted in key concepts such as anti-imperialism, cultural resistance, and political sovereignty becoming central to his views and thoughts. Using Rubinstein and Smith’s analytical framework (1998), a descriptive-analytical approach, and a documentary research method, the study demonstrates that after the Islamic Revolution, support for political Islam in Iran became intertwined with anti-American sentiments. This relationship is primarily a result of the revolutionary nature of the Iranian government and the political policies and actions of the United States. The Supreme Leader’s thoughts are directly influenced by these political and interventionist actions. Consequently, the struggle against American imperialism and the stance of resistance have become integral components of the Islamic Republic’s identity, intertwined with the discourse of opposing oppression and hope for the emergence of the Mahdi in Shia Islam.

Keywords: Islamic Revolution, Political Islam, Anti-imperialism, Anti-Americanism, Supreme Leader’s Thought.

1. Corresponding Author: PhD Candidate in Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. mo.rezasalehi@ut.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Islamic Revolution and Sacred Defense History, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran.
3. Master’s Degree in Political Science, Payame Noor University, Quchan, Iran.

Cite this Paper: Salehi Vathigh’ M, Chitforoush’S & Akbarpour Alamajoghi’A.(2024). Analysis of the Supreme Leader’s Perspective on the Issue of America(Based on Rubinstein and Smith’s Theory). American strategic studies, 14(4), 11–36.

Publisher: Imam Hossein University "Authors Retain The Copyright"

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License(CCBY 4.0)



مقدمه

محیط امنیتی جهان در آستانه خارق‌العاده‌ترین دوره تغییرات سیستمی قرار دارد. مهم‌ترین تحول به نظر «افول»^۱ هژمونی آمریکاست. با سرریز و گسترش نیروهای ژرف سیستمی وضعیت برای آمریکا و متعاقب آن ساختار قدرت جهانی تغییر پیدا کرده است (Khan, 2024). به تعبیری روشن‌تر، پیکربندی ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی، و ژئواستراتژیکی جهان به نحو شگفت‌انگیزی به ضرر آمریکا در حال تغییر و تحول است. مزیت استراتژیک قدرت آمریکا در رویارویی با رقبای فزاینده به تدریج در حال کاهش است. قدرت‌های نوظهور جهانی مانند چین، برزیل، هند، روسیه و حتی قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران برتری و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در سیاست جهانی را با چالش روبه‌رو کرده‌اند (Acharya, 2020: 13). همسویی استراتژیک برخی از این چالشگران نظم هژمونیک، آمریکا را با یک موقعیت دشوار در سیاست جهانی روبه‌رو کرده است. همسویی این بازیگران در قالب نهادهایی مانند «بریکس»^۲ و سایر نهادهای مشابه و زمزمه‌های اقداماتی مانند مقابله با هژمونی دلار و به طور کلی یک‌جانبه‌گرایی آمریکا به نظر حکایت از شکل‌گیری صف‌بندی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی قدرتمند بر علیه کشوری است که با فروپاشی شوروی کسی را توان مقابله با آن نبود. به طور کلی، دیگر آمریکا موقعیتی هژمونیک در تعیین دستور کارهای سیاسی و امنیتی جهان ندارد. «هنری کیسینجر»، به خوبی چنین شرایطی را برای آمریکا وصف کرده بود. او معتقد بود: «سرنوشت بشریت به این بستگی دارد که آیا ایالات متحده و چین بتوانند راهی برای حل اختلافات خود در دهه آینده بیابند یا خیر» (Kissinger, 2023).

این حقیقتی است که حتی «زیگنیف برژینسکی» نیز آن را پذیرفت. در سال ۲۰۱۳ برژینسکی اعلام کرد که جهان امروز ما با بحران قدرت روبه‌رو است. این بحران ناشی از کاهش چشمگیر قدرت غرب به رهبری آمریکا و انتقال آن به شرق است. به باور برژینسکی عملکرد داخلی و بین‌المللی آمریکا بد شده است. این کشور پیوسته در حال دور شدن از موقعیت خود به‌عنوان یک ابر قدرت جهانی است. آمریکا در حال نزدیک شدن به چشم‌اندازی است که مشخصه آن دور شدن

1. Decline
2. Brazil, Russia, India, China and South Africa (BRICS)

از یک اقتصاد حیاتی، کاهش جذابیت اجتماعی و فرهنگی، کاهش مسئولیت‌های بین‌المللی و در نهایت ناتوانی در ایفای نقش مؤثر در معادله موازنه قدرت جهانی است (Brzezinski, 2016: 229). فارغ از هر سخنی، تاریخ و سرنوشت قدرت‌های بزرگ به ما یادآور می‌شود که سرنوشت محتوم همه آن‌ها ضعف و زوال بوده است. امریکا نیز با وجود همه برتری‌ها و افسانه شکست‌ناپذیری خود، نمی‌تواند از این سرنوشت رهایی یابد. اما، بیشتر از صحبت درباره چرایی و کم و کیف افول آمریکا، مهم‌تر از آن در نظر داشتن پیامدهای چنین تحول ساختاری برای سازه محیطی سیاست جهانی است. به این صورت که با افول امریکا پیکربندی ژئوپلیتیکی سیستم جهانی به چه صورت سامان خواهد یافت؟ رسالت پژوهش حاضر نیز در همین راستا معطوف به سخن از مهمترین پیامدهای افول آمریکا و تحولات متعاقب آن در سازه محیطی سیستم جهانی است.

۱- مرور پیشینه تحقیق

جدول ۱. پیشینه تحقیقات انجام شده

نویسنده	اثر	یافته‌ها	نقاط قوت	ضعف‌ها	ابتکار پژوهش
توماس انگلهارت	فرهنگ پایان پیروزی: آمریکای جنگ سرد و سرخوردگی یک نسل	شکست افسانه شکست‌ناپذیری و غلبه همیشگی این کشور بر دشمنان در اذهان جهانیان	پیش‌بینی آینده بر پایه یک روش علمی	عدم توجه به سایر پیامدهای ذهنی افول آمریکا	بررسی پیامدهای ذهنی افول آمریکا
مایکل ماندلبام و توماس فریدمن	آن‌ها ما بودیم: چگونه آمریکا در دنیایی که اختراع کرد عقب ماند و چگونه می‌توانیم برگردیم	شکل‌گیری بحران‌های مالی جهان گستر با افول آمریکا	بررسی جامع چالش‌های مالی آمریکا	فاقد راهبردهای کارآمد برای غلبه بر بحران‌های مالی	بررسی وابستگی سیستم مالی جهانی به آمریکا
آرتور هرمان	ایده زوال در تاریخ غرب	فروپاشی تمدن غرب	روند شناسی چالش‌های	عدم توجه به نقش سایر	تکامل تاریخی خطی تمدن‌ها

نویسنده	اثر	یافته‌ها	نقاط قوت	ضعف‌ها	ابتکار پژوهش
			معطوف به افول آمریکا	کشورهای غربی در انحطاط تمدنی	
روح‌الامین سعیدی	تحلیل چپستی، چرایی و چگونگی افول آمریکا از منظر تئوری چرخه‌های بلند	انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در سیاست جهانی	تطبیق نظریه (سیکل‌های بلند) با مورد (افول آمریکا)	عدم ارائه دلایل برتری نظریه انتخاب شده بر سایر نظریه‌های مطرح	شناسایی موقعیت آمریکا در چرخه قدرت جهانی
عبدالمحمد کاشیان	تحلیلی بر ماهیت احتضار سرمایه‌داری و افول قدرت اقتصادی آمریکا	تشدید بحران اقتصادی آمریکا	تبیین ذات بحران‌زای سیستم سرمایه‌داری	عدم توجه به نظریات افراد صاحب نام در حوزه بررسی بحران‌زایی سیستم سرمایه‌داری مانند امانوئل والرستین	بررسی ویژگی‌های خاص نظام سرمایه‌داری در تطبیق با مؤلفه‌های اقتصاد کلان آمریکا
رحیم بایزیدی	گذار از نظم اقتصاد سیاسی بین‌الملل آمریکا محور: روند پژوهی کاربست ابزار تحریم و جهان‌روایی دلار	استفاده تنبیهی آمریکا از دلار در مالیه و سیاست جهانی	اتخاذ یک رویکرد مستقل در زمینه بررسی آثار تحریم‌های آمریکا	مغایرت روند پژوهی با روش آن توصیفی-تحلیلی	بررسی کارایی / عدم کارایی تحریم‌ها با تکیه بر سطوح تحلیل چندگانه

آثار بررسی شده و سایر آثار مشابه با وجود سخن از کم و کیف افول آمریکا اما درک روشنی از پیامدهای چنین تحول مهمی در سیاست جهانی ارائه نمی‌دهند. این پژوهش به طور خاص معطوف

به پیامدهای افول آمریکا در ارتباط با مواردی مانند «ساختار قدرت جهانی»، «نظم جهانی»، «الگوهای کنترل» و «سازه کنترل نظم» در سازه محیطی سیاست جهانی است.

۲- روش پژوهش

پژوهش از نظر رویکرد توصیفی- تحلیلی است. شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و ابزار جمع‌آوری نیز فیش‌برداری بود. روش سامان‌دهی داده‌ها نیز «کدگذاری باز»^۱ بود. این نوع کدگذاری تجزیه و تحلیل داده‌ها را تسهیل می‌کند. به این صورت که هر کدام از ایده‌های معطوف به موضوع پژوهش جداگانه نام‌گذاری شد، در ادامه هر کدام از این ایده‌ها و مفاهیم بررسی، تجزیه می‌شوند. و در نهایت داده‌ها بر پایه روش علی ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. روش روش علی ساختاری شامل پنج مرحله به قرار ذیل است که عبارتند از:

۱. تعریف و تعیین موضوع مورد نظر؛
۲. بررسی ادبیات پژوهش؛
۳. طرح پرسش و پاسخ به آن در قالب فرضیه؛
۴. جمع‌آوری شواهد و مدارک؛
۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه گزارشی تحلیلی (Blaikie, 2009: 308).

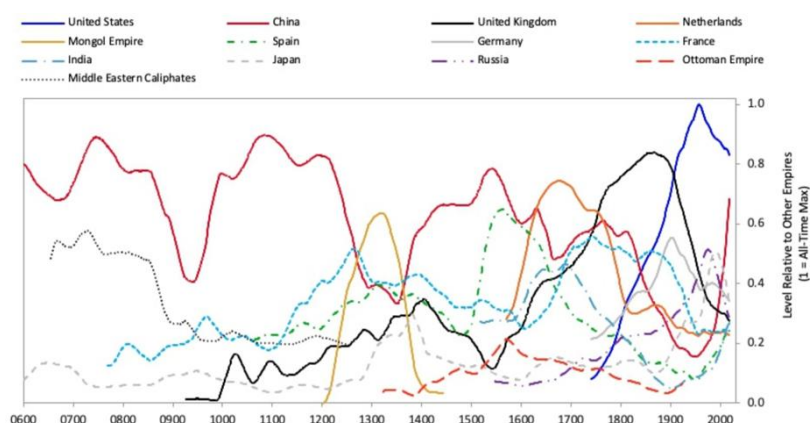
۳- مبانی نظری

۳-۱- نظریه چرخه‌های بلند: افول چرخه هژمونی آمریکا و ظهور نظم جدید جهانی

یکی از عمیق‌ترین بینش‌ها پیرامون تحولات در سیاست جهانی را «نظریه چرخه‌های بلند»^۲ «جرج مادلسکی» ارائه می‌دهد. مادلسکی به تبعیت از «والرستین» آغاز شکل‌گیری سیستم جهانی را از قرن ۱۶ ردیابی می‌کند. از این قرن تا به الان چهار کشور پرتغال، هلند، بریتانیا و آمریکا به ترتیب نقش رهبری جهان را بر عهده داشته‌اند (Modleski, 1987: 7). آن‌ها در پی یک الگوی منظم و

1. Open coding
2. Long Cycle Theory

تکرار شونده ظهور و در نهایت افول کرده‌اند. هر کدام از این کشورها یک چرخه را تجربه کرده است. البته به جز بریتانیا که دو چرخه را تجربه کرده است (Denemark & et al. 2000: 78). به تعبیر مادلسکی چرخه‌های جهانی با یک دوران هرج و مرج و آشوب آغاز می‌شوند. سپس در انتهای چرخه به جنگ ختم خواهد شد. این جنگ بزرگ آخر هر چرخه حکایت از تلاش برای زایش و استقرار نظم جدید جهانی است. این جنگ‌ها گاهی بیش از سه نسل به درازا می‌انجامند. برای مثال نبردهای ناشی از جنگ جانشینی در اسپانیا از ۱۷۰۱ تا ۱۷۱۴ به طول انجامید. قدرت پیروز نبرد بزرگ با انعقاد معاهدات صلح و نهادسازی جایگاه خود در قامت قدرت برتر جهانی را تثبیت خواهد کرد (Modleski, 1987: 29).



نمودار ۱. ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ در طول تاریخ و چرخه زایش نظم جهانی (Dalio, 2021: 39)

اما سیستم جدید نیز سرنوشت محتوم آن زوال و نابودی است. رهبری جهانی فرسایش می‌یابد و جهان به سمت چند قطبی شدن و تضادها و تعارضات ناشی از آن رهسپار خواهد شد. رقابت‌هایی که در نهایت دوباره به جنگ بزرگ ختم خواهد شد. سیستم دوباره به نقطه آغاز بازگشته و قدرت جدیدی ردای هژمون به تن کرده و در پی استقرار سیستمی جدید بر خواهد آمد. بر پایه تاریخ طول این چرخه‌ها اندکی بیش از صد سال است (Modleski & et al. 2008: 198). این چرخه شامل چهار مرحله بر قرار ذیل هستند:

مرحله اول (قدرت جهانی): زمانی که یک قدرت پس از وقوع یک نبرد بزرگ ظهور می‌کند. به همان سان که پرتغال، اسپانیا، هلند، بریتانیا و آمریکا ظهور کردند؛

مرحله دوم (مشروعیت‌زدایی): گسترش بی‌اندازه دامنه قدرت هژمون و متعاقب آن هزینه‌های بالا و ناتوانی هژمون در تأمین این هزینه‌ها که به تدریج سیستم را به سمت افول هدایت خواهد کرد؛

مرحله سوم (چند قطبی شدن): کاهش قدرت هژمون و متعاقب آن افزایش قدرت رقبا؛
مرحله چهارم (نبرد بزرگ): نبرد میان قدرت‌های بزرگ برای تصاحب منزلت هژمونیک (Modleski, 1987: 229).

چرخه جهانی قدرت به رهبری آمریکا نیز با افول این کشور به نظر در آستانه وارد شدن به مرحله سوم چرخه یعنی چند قطبی شدن قرار دارد. گسترش بی‌اندازه سلطه‌طلبی آمریکا و نابرابری‌ها و تضادهای ناشی از سیستم سرمایه‌داری باعث کاهش مشروعیت رهبری آن در سطح جهانی شده است. هزینه‌های بالا و ناتوانی آمریکا در تأمین تعهدات جهانی خود نیز به تدریج این کشور را مجبور به کاهش دامنه نفوذ خود کرده است. همچنین انحصار و برتری آمریکا در عرصه اقتصادی و تجاری نیز در چرخه ژئواکونومیک از سوی رقبایی مانند چین به چالش کشیده است. به طور کلی سیستم جهانی با کامل شدن فاز دوم افول هژمونی آمریکا کم‌کم در حال نزدیک شدن به فاز سوم یعنی چند قطبی قبل از نبرد بزرگ است.

۳-۲- افول آمریکا و تحولات در سازه محیطی سیستم جهانی

با افول آمریکا شرایط برای پیکربندی ژئوپلیتیکی جدیدی در سیاست بین‌الملل فراهم شده است (Barnett and Duvall, 2005: 75). اما این شرایط، سازه محیطی سیاست بین‌الملل را با چه تحولاتی روبه‌رو خواهد کرد؟ به تعبیر دقیق‌تر ساختار سیستم، نظم جهان و سیستم‌های کنترل و مدیریت نظم با توجه به وابستگی آن‌ها به تحولات سازه محیطی به چه صورت سامان خواهند یافت؟ در ادامه مهم‌ترین تحولات ارائه و متعاقب آن تحلیل خواهند شد.

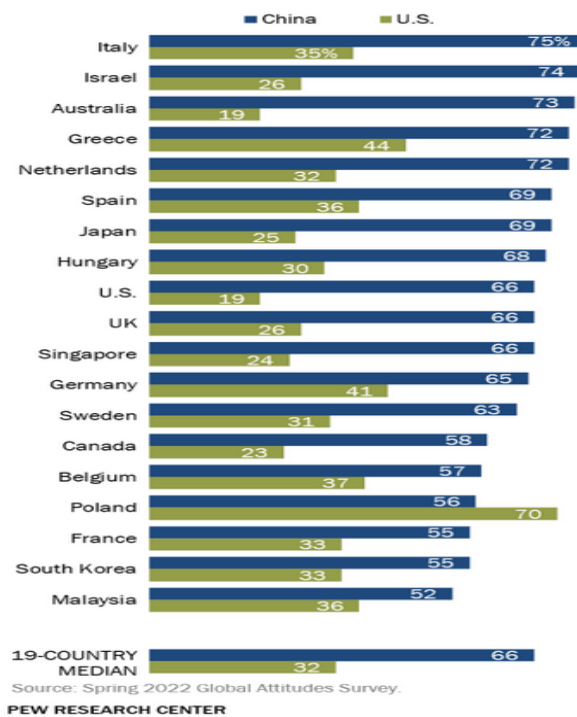
۳-۲-۱- تحول ساختار سیاست بین‌الملل: ظهور جهان چندقطبی

احتمالاً با بدتر شدن عملکرد آمریکا در سطح داخلی و بین‌المللی، رهبری تعیین‌کننده این کشور از دست خواهد رفت و آمریکا دیگر نقش مرکزی در اداره امور جهانی بر عهده نخواهد داشت (Kelly and et al., 2014: 112). بازگشت به دنیای چند قطبی با شاخص رقابت قدرت‌های بزرگ، به‌عنوان محتمل‌ترین سناریو از سوی اندیشمندان روابط بین‌الملل برای آینده نزدیک سیاست بین‌الملل مطرح شده است (Pillsbury, 2015: 179-181). به نظر می‌رسد تا اواسط قرن بیست و یکم و حتی شاید قبل‌تر از این تاریخ، ساختار تک قطبی جهان به رهبری آمریکا به کل از سیاست بین‌الملل محو و ساختاری چند قطبی جایگزین آن شود. جهان از این منظر وضعیتی همانند قرن ۱۹ خواهد یافت (Abrahamsen & William, 2009: 14). بر پایه چنین شرایطی، نظم جهانی ثمره تقاطع الگوی رفتاری قدرت‌های بزرگی مانند چین، آمریکا، روسیه و احتمالاً هند و حتی برزیل خواهد بود (Varisco, 2013: 1). البته یک تفاوت مهم با قرن ۱۹ وجود خواهد داشت. به این معنا که در شرایط جدید خرده نظم‌های متعدد منطقه‌ای شکل خواهند گرفت. به این صورت که ساختار قدرت جهانی بیش از هر زمانی تکه تکه شده و ماهیتی خوشه‌ای و شبکه‌ای پیدا خواهد کرد (Zakaria, 2008: 78). چنین شرایطی (گسترش نظم‌های منطقه‌ای) ارتباط وثیقی با ساختار چند قطبی جدید جهان خواهد داشت (Yusuf and Nabeshima, 2010: 270). به این معنا که با چند قطبی شدن ساختار فضا برای استقلال و افزایش بیشتر قدرت مانور قدرت‌های منطقه‌ای برخلاف نظم سلسله مراتبی و دستوری تک قطبی فراهم خواهد شد.

در ساختار قدرت آینده، روسیه با وجود از دست دادن نسبی قدرت اقتصادی خود، اما با حفظ قدرت نظامی، به‌عنوان یک قطب قدرت بزرگ برای اروپا و ناتو در صحنه ژئواستراتژیک اوراسیا باقی خواهد ماند (Adel, 2021: 89). با توسعه طلبی ناتو، فضا و گزینه‌های اقدام در راستای ایجاد ثبات استراتژیک میان غرب و روسیه احتمالاً در آینده کاهش خواهد یافت (Berls, 2021). احتمالاً اتحادیه اروپا با وجود مطرح بودن به‌عنوان یک قطب قدرت جهانی همچنان در زیر چتر آمریکا باشد (Khan, 2024). هند نقشی تعیین‌کننده در بازی قدرت‌های بزرگ خواهد یافت. شرایط هند مشابه چین در دهه ۱۹۷۰ خواهد بود. این کشور وزنه تعادل آمریکا در برابر چین خواهد بود (Kissinger, 2023). با این وجود، احتمالاً آن‌ها فراتر از همسویی استراتژیک نخواهند رفت (Nye, 2023).

با افزایش دامنه ژئواکونومیک چین، نفوذ این کشور و به تعبیری دامنه ژئوپلیتیک آن نیز در سراسر آسیا و جهان عمیق‌تر خواهد شد (Kissinger, 2012: 478-480). بسیاری از کشورهای

آفریقایی و آمریکای جنوبی نیز به صف چین خواهند پیوست (Wang & Miao, 2022: 33). در سطح ژئواستراتژیک چین احتمالاً در آینده نزدیک در برخی مناطق آسیا و آفریقا صاحب پایگاه‌های نظامی خواهد شد (U.S.- China Economic and Security Review Commission, 2020: 62). این در حالی است که در برخی از مناطق، آمریکا پایگاه‌های سنتی نفوذ منطقه‌ای خود را احتمالاً از دست خواهد داد (Baram, 2021). در خاورمیانه و شمال آفریقا با وجود حضور آمریکا اما به دلیل جذابیت و اقبال بیشتر نسبت به چین این کشور در مقایسه با آمریکا نفوذ بیشتر و تعیین کننده‌تری به دست خواهد آورد (Pardy, 2020: 80). البته در سایر مناطق جهان نیز اقبال به چین در حال افزایش است. در یک نظرسنجی «مرکز پیو»^۱ در سال ۲۰۲۲ به طور غالب شرکت کنندگان نفوذ چین را در حال افزایش دیدند در حالی که تعداد کمی چنین نظری را نسبت به آمریکا داشتند.



نمودار ۲. نفوذ بیشتر چین در جهان در سپهر اذهان جهانیان نسبت به آمریکا

1. Pew Research Center

به طور کلی، بیشترین احتمال برای ساختار قدرت جهانی در دو دهه پیش‌رو، ساختاری تک قطبی یا رقابت دوقطبی به سبک جنگ سرد نیست (Coward & et al. 2024: 179)، بلکه یک ساختار چند قطبی سیال، پویا و چند بعدی خواهد بود (Dasgupta & Gill, 2023: 17). چراکه نفوذ و سیاست‌های مستقل خارجی و امنیتی بازیگرانی مانند هند، ژاپن، آلمان، برزیل، فرانسه، بریتانیا و روسیه نیز افزایش خواهد یافت (Benabdallah, 2021: 201).

۳-۳- شاخه‌ای شدن شدن نظم جهانی

نظم جهانی به دلیل فشار ساختاری ناشی از تقاطع سیستم کنترل نظم قدرت هژمونی در حال افول آمریکا، قدرت‌های نوظهور جهانی مانند چین و قدرت‌های منطقه‌ای متلاشی شده (Grinin & Korotayev, 2023) و ساختی خوشه‌ای با خرده نظم‌های فرعی متعدد پیدا خواهد کرد (Dalio, 2021: 276). تحت چنین شرایطی سه شاخه عمده نظم در سطح شبکه ژئوپلیتیک جهانی عبارت‌اند از:

• نظم مهار کننده؛

• نظم موازنه‌ای؛

• نظم‌های منطقه‌ای با محوریت قدرت‌های منطقه‌ای.

۳-۳-۱- گذار از نظم هژمونیک به نظم مهار کننده

همان‌گونه که براساس شواهد مشخص شد، هژمونی آمریکا و نظم هژمونیک به رهبری این کشور در حال طی کردن مراحل زوال خود است (Guillen & Cortes, 2023). از دو دهه گذشته به این سو با افول قدرت آمریکا این کشور بخشی از قدرت جهانی خود را از دست داده (Coward & et al. 2024: 180) و متأثر از آن از میزان تسلط این کشور بر ساخت نظم جهانی کاسته شده، اما هنوز شرایط به گونه‌ای نیست که نظم جدید حاکم شود (Azevedo, 2024: 5). بلکه، در شرایط جدید سیستم جهانی در دو سطح ساختار و نظم جهانی در موقعیت گذار قرار دارد (Alterman & McElwee, 2024: 7).

استفن والت به خوبی روند افول آمریکا در سطح نظم جهانی را ترسیم و تشریح کرده است. از نظر او استراتژی آمریکا در راستای مدیریت نظم در جهان در اوج قدرت این کشور معطوف به «استفاده از نیروی نظامی»^۱ و حضور مستقیم در مناطق در قالب مداخله نظامی بود. به تعبیری در این

1. Using Military Force

مرحله امریکا نقش اول را در شکل دهی به نظم در جهان و مناطق بر عهده داشت و مجالی برای ظهور و خودنمایی قدرت‌های دیگر باقی نمی‌گذاشت. نظم‌های منطقه‌ای در این مرحله به دلیل تسلط بی‌چون و چرای هژمونی امریکا بر جهان، تبعی بود. اما با افول قدرت آمریکا، حضور این کشور در مناطق مختلف و ابزارها و استراتژی‌های این کشور نیز با تحول روبه‌رو شد. به باور والت، آمریکا در ادامه افول خود در ادامه به استراتژی «ملت‌سازی»^۱ سپس به «گسترش دموکراسی»^۲ و بعد از آن به «موازنه قدرت»^۳ و در نهایت به «موازنه از راه دور»^۴ افول کرده است (Walt, 2018:180). به باور والت از این زمان به بعد با سر برآوردن قدرت‌های نوظهور دستور کارهای نظامی آمریکا بیش از هر زمانی معطوف به مهار رقبا خواهد شد.

۳-۳-۲- بازگشت دوباره نظم موازنه به شبکه ژئوپلیتیک جهانی

توازن قدرت، منطق زیربنایی ساختار چند قطبی است (Monticone, 2008:16). این دو پیوندی ناگسستگی با یک‌دیگر دارند (Cropsey, 2018: 10). براین اساس، می‌توان استدلال کرد که با تضعیف ساختار هژمونیک قدرت به رهبری آمریکا و ناکارآمدی استراتژی‌های این کشور برای مقابله با ضعف و زوال هژمونی (Levent, 2024: 100) و همچنین افزایش سطح قدرت نسبی قدرت‌های بزرگ چالشگر از جمله چین و سایرین و از بین رفتن فاصله قدرت میان آمریکا و این قدرت‌های بزرگ نوظهور، نظم در سطح شبکه جهانی سیستم با رقابت و بازیگری این چند قدرت عمده و بزرگ به سوی موازنه قوا حرکت خواهد کرد (Ikenberry, 2002: 78). پس، نظم به آرامی در آستانه گذار از هژمونی به موازنه و تعادل جهانی است (Rizzi, 2023). رقبا با استفاده از مجموعه‌ای از ابزارهای نرم (همسویی استراتژیک، اتحاد ضمنی، وابستگی متقابل اقتصادی و نهادها و سازمان‌های جهانی) و سخت (افزایش توانایی نبرد نامتقارن) به دنبال تعادل در برابر آمریکا هستند (Paul, Wirtz, & Fortmann, 2004: 2-4).

چین، محتمل‌ترین نامزد برای برخورداری از موقعیتی کانونی به منظور جذب دیگران در راستای ایجاد تعادل در برابر آمریکا در سطح نظم جهانی است (Friedman, 2009: 112). این کشور به سرعت در حال گسترش دامنه تجاری و دریایی خود به اقیانوس هند از طریق طرح کمربند و جاده است (Cordesman, 2023)

1. Nation-building
2. Expanding democracy
3. Balance of power
4. Offshore balancing

که به‌طور غیرمستقیم هژمونی آمریکا را به چالش خواهد کشید (Dutkiewicz, & et al, 2021: 197). همچنین افزایش تسلط این کشور بر زنجیره تأمین اقتصاد جهانی قدرت چانه‌زنی این کشور را در برابر آمریکا به‌طور چشمگیری افزایش داده است (Doshi, 2021: 176). در حال حاضر بیش از ۶۰ درصد کسری تراز تجاری آمریکا به‌خاطر قدرت اقتصادی چین و صادرات گسترده کالا از این کشور به آمریکا است (Yin li, 2021: 122). گرچه ترامپ در سال ۲۰۱۸ با جنگ تجاری و افزایش تعرفه‌ها به مقابله با چین برخاست، اما افزایش تورم در آمریکا مانع از تشدید اقدامات تهاجمی بیشتر بر علیه چین شد (Economy, 2024). همچنین چالش‌های نامتقارن ارائه‌شده توسط چین و توسعه طلبی این کشور در دریای چین جنوبی به همراه افزایش قدرت تسلیحاتی و حملات سایبری روسیه، رفتار تهاجمی این کشور در اوکراین و سوریه نشان می‌دهد که تلاش‌ها برای تعادل در برابر آمریکا در سطح نظم جهانی در حال گسترش است (Kynge, 2024). گرچه این تلاش‌ها امروزه بیشتر غیرمستقیم و نامتقارن است (Morris, 2022: 30)، اما این استراتژی‌ها به آرامی باعث شکل‌گیری تعادل در برابر قوی‌ترین قدرت روی زمین یعنی آمریکا و مهار آن خواهند شد (Paul, 2018: 176). ماهیت نظم جهانی آینده به این صورت خواهد بود که هیچ کشوری، نه چین و نه ایالات متحده و نه سایرین در موقعیتی قرار نخواهد گرفت که بتواند نقش رهبری جهانی را به گونه‌ای که ایالات متحده در دوره بلافاصله پس از جنگ سرد اشغال کرد، ایفا کند (Kissinger, 2015: 209). بلکه، چارچوبی از موازنه بخشی بر الگوی رفتاری قدرت‌های بزرگ حاکم خواهد شد (Bekkevold, 2024: 2). به همان سان که در قرن نوزدهم چنین رویه‌ای حاکم بود.

۳-۳-۳- افزایش نقش قدرت‌های منطقه‌ای در طراحی سیستم‌های کنترل نظم منطقه‌ای

در وضعیت هژمونیک نظم جهانی سلسله مراتبی و دستوری بوده و به دلیل استیلای قدرت برتر قدرت‌های منطقه‌ای فرصتی برای ظهور و خودنمایی پیدانمی‌کنند (Paul, Morgan & Wirtz, 2009: 125). سیستم در این شرایط به دلیل تمرکز قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی هژمون بسته و قدرت‌های دیگر به دلیل ترس از مجازت شدن به وسیله هژمون به جای موازنه‌سازی در برابر آن به «دنباله‌روی»^۱ یا بی‌طرفی روی خواهند آورد (Schweller, 1997: 928). به همین دلیل در چنین شرایطی نظم‌های فرعی و منطقه‌ای تبعی هستند (Carranza, 2014: 117). اما با افول هژمون قدرت‌های منطقه‌ای نیز

1. Bandwagoning

وارد صحنه خواهند شد (Paul, 2018: 180). آن‌ها با صف‌آرایی در برابر هژمون در حال زوال به دنبال پر کردن خلا قدرت شکل گرفته در مناطق خواهند بود (Mearsheimer, 2014: 189). به تعبیری دقیق، توزیع متکثر قدرت و خارج شدن از ساختار متمرکز قدرت و شکل‌گیری «ژئوپلیتیک شبکه‌ای» (Ebert & Flesch, 2018: 27)،^۱ نه تنها به قدرت‌های بزرگ نوظهور، بلکه به قدرت‌های متوسط، کوچک و بازیگران غیردولتی نیز اجازه بازیگری را می‌دهد (Kissinger, 2015: 219). شرایطی که هر چه بیشتر معادله ثبات را در سطح جهان پیچیده‌تر خواهد کرد (Lake & Morgan 1997: 85).

ایران، پاکستان، برزیل، کره جنوبی، ترکیه، آرژانتین، اندونزی، عربستان، نیجریه، مصر، کره شمالی، مکزیک، آفریقای جنوبی، ونزوئلا و گروه‌های ضد سیستمی در جهان چندقطبی آینده در معادلات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای نقشی کلیدی خواهند داشت (Nel & Nolte, 2010: 877). حتی اثرات اقدامات آن‌ها می‌تواند به راحتی در سراسر جهان طنین انداز شود و عامل دیگری برای پیچیده شدن بازی قدرت در سطح جهانی و احتمالاً بی‌ثباتی بالقوه باشند (Stewart-Ingersoll & Frazier, 2012: 15).

باید گفت که قدرت‌های منطقه‌ای حداقل به دو دلیل برای درک ما از ثبات سیاست جهانی در آینده مهم هستند (Lemke, 2002: 11): نخست این که این دولت‌ها برخلاف دوران هژمونی و دخالت آن در شکل‌دهی به نظم در آینده اغلب نظم را در مناطق مربوط به خود شکل می‌دهند و برقرار می‌کنند (Prys-Hansen & Frazier, 2024: 10). همچنین، قدرت‌های منطقه‌ای برای ایجاد مکانیسم‌هایی برای حکمرانی با چالش‌گران در داخل منطقه و همچنین دولت‌های خارج از منطقه رقابت خواهند کرد، زیرا آن‌ها به دنبال ایجاد نظم مطابق با اولویت‌های سیاستی خود هستند (Ehtisham, 2023). به‌عنوان مثال، آفریقای جنوبی با تأکید بر «بازیابی آفریقا» و «تحقق رنسانس آفریقا» به‌عنوان اولویت‌های سیاست خارجی از طریق ارتقای نهادهای منطقه‌ای و یکپارچگی منطقه‌ای، تلاشی هماهنگ برای شکل دادن به منطقه خود انجام داده است (Christopher, 2023).

در غرب آسیا، ایران، ترکیه و عربستان هر کدام با سیاست‌های و علایق متفاوت به دنبال نظم دلخواه در منطقه هستند (Nel & Nolte, 2010: 878). روندی که به نظر می‌رسد با شدت و ضعف در سایر مناطق نیز در جریان است. بنابراین، تقاطع این روندهای متفاوت منطقه‌ای از سوی بازیگران درون منطقه‌ای با روندهای جهانی مربوط به قدرت‌های جهانی و مداخله آن‌ها در مناطق مختلف هر چه

1. Networked geopolitics

بیشتر بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی را در جهان تشدید خواهد کرد (Volgy & et al. 2011:19). با این اوصاف، برای اولین بار در تاریخ، ثبات جهان آینده نه تنها به اثرات غیرقابل پیش‌بینی رقابت بین قدرت‌های بزرگ، بلکه به پتانسیل خطرناک قدرت‌های متوسط و کوچک و بازیگران غیردولتی مسلح بستگی دارد (Prys-Hansen & Frazier, 2024: 12).

۳-۴- رقابت قدرت‌های بزرگ: ناپایداری بلندمدت سیستم‌های چندقطبی

تاریخ روابط بین‌الملل به خوبی گویای ناپایداری و بی‌ثباتی بیشتر ساختار چند قطبی نسبت به ساختار دو قطبی و تک قطبی است (Deutsch & Singer, 1964: 405). با توجه به روندهای موجود، به نظر می‌رسد در آینده نزدیک فعل و انفعال میان قطب‌های قدرت در عرصه سیاست بین‌الملل و همچنین انقلاب مداوم و چند وجهی تکنولوژیکی به همراه تشدید رقابت‌ها منتج به یک دوره طولانی از بی‌ثباتی در سیاست جهانی شود (Allison, 2017: 42). چنین شرایطی به دلیل عدم شکل‌گیری کنسرت قدرت‌های بزرگ هرچه بیشتر تشدید خواهد شد. شرایط مانند قرن نوزدهم و نقش آفرینی مترنیخ و کنسرت قدرت‌های بزرگ در آن زمان نخواهد بود (Dalio, 2021: 520). چرا که قدرت‌های بزرگ جدید برخلاف آن زمان، اصول و اهداف مشترک کمتری برای همکاری با یک‌دیگر دارند. روسیه و آمریکا به دلیل بحران اوکراین هرچه بیشتر رو در روی یک‌دیگر قرار خواهند گرفت. همچنین بحران تایوان چنین شرایطی را برای آمریکا و چین نیز تشدید خواهد کرد (Ashraf, 2020: 10). بنابراین، رقابت خارج از یک چارچوب امنیتی محدود کننده قدرت‌های بزرگ، در آینده با ایجاد بی‌ثباتی استراتژیک، تهدیدات و خطرات قابل توجهی را در عرصه سیاست بین‌الملل به وجود خواهد آورد (Walton, 2007: 102). بنابراین، بازگشت به ساختار چند قطبی احتمالاً بی‌ثباتی بیشتر را در میان قدرت‌های بزرگ به همراه خواهد داشت. این درسی است که تجربه تاریخی چند سده گذشته به ما می‌دهد (Dasgupta & Gill, 2023: 20). به‌طور کلی در محیط آینده سیستم با تنوع بازیگران و سطوح و جهت‌گیری‌های متعدد آن‌ها در بازی‌های ژئوپلیتیکی، احتمالاً وقوع بحران زیاد خواهد بود. آخرین بار بین سال‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۵ چنین شرایطی (رقابت قدرت‌های بزرگ) حاکم بود که بی‌ثباتی ناشی از آن مانند زلزله‌ای ویرانگر در قالب دو جنگ بزرگ جهان را تکان داد.

۳-۵- فشار شدید ساختاری بر مناطق: شبکه ژئوپلیتیک آسیا کانون اصطکاک میان قدرت‌های بزرگ و خطر زایش بی‌ثباتی گسترده در سیاست جهانی

دورنمای رقابت قدرت‌های بزرگ بیش از هر مکانی در ژئوپلیتیک آسیا قوی است (Men, 2020: 200). منطقه‌ای که سامان آن با اتحادها و نهادهای منطقه‌ای ضعیف شکل گرفته است (Brooks & Wohlforth 2008: 75). به دلیل چنین شرایطی در سازه محیطی منطقه، رشد اقتصادی بازیگران و رقابت آن‌ها در آینده نزدیک می‌تواند منبع جدی بی‌ثباتی باشد. افول ایالات متحده و ظهور چین توازن قدرت را تضعیف و رقابت قدیمی بین چین و ژاپن احتمالاً دوباره آشکار خواهد شد. یک چین قوی در حال ظهور توسط ژاپن تهدیدی مهم تلقی می‌شود (Ball and et al. 2021: 189). در پاسخ ژاپن در آوریل ۲۰۲۴ با امضای یک توافقنامه دفاعی عصر جدیدی از همکاری نظامی با آمریکا را آغاز کرد. هدف عمده این توافقنامه معطوف به همکاری دوجانبه به منظور مقابله با چین بود (CFR.org Editors: 2024). همچنین در اقدامی دیگر ژاپن در حال تلاش برای ایجاد یک ساختار فرماندهی مشترک در جهت شکل دهی به شبکه جدید دفاع موشکی هوایی به همراه استرالیا و آمریکا بود. این ساختار هدف آن ایجاد مکانیسمی یکپارچه به منظور مقابله با چین بود (Smith, 2024). ژاپن همچنین به منظور خرید جنگنده‌های رادارگریز اف-۳۵ و استقرار موشک‌های دوربرد با قابلیت هدف قرار دادن چین و کره شمالی هزینه‌های دفاعی خود در را از ۴۸ میلیارد دلار به ۵۶ میلیارد در سال ۲۰۲۴ افزایش داد. ژاپن در نظر دارد به منظور مقابله با چین هزینه‌های دفاعی خود را تا ۲۰۲۷ به ۳۰۰ میلیارد دلار برساند (Stewart, 2024).

اما بازی اصلی در منطقه میان چین و آمریکا خواهد بود (Mearsheimer, 2021: 8). احتمالاً این دو کشور درگیر یک رقابت امنیتی شدید با پتانسیل بالای جنگ خواهند شد (Brzezinski & Mearsheimer, 2014). دریای چین جنوبی و به طور ویژه ژئوپلیتیک تایوان نقطه کانونی فشار ناشی از رقابت بزرگ آمریکا و چین است. تنش میان آمریکا و چین در این منطقه به سطح استراتژیک رسیده است (Feng & He, 2018: 271). این منطقه به یک کد ژئوپلیتیکی تعیین کننده در روابط دو کشور تبدیل شده است. به همین دلیل نیز تنش‌ها پیرامون آن در حال افزایش است (U.S. Naval Institute Staff, 2024: 5). با این اوصاف تاب‌آوری و یا شکست در برابر این فشار، دیگر پیشران کلیدی تعیین کننده آینده نظم جهانی است. به نظر می‌رسد ساختار قدرت، نظم، سیستم کنترل نظم و صف‌بندی‌های منطقه‌ای متأثر از این شرایط

با تحولات جدی روبه‌رو شوند (Mearsheimer, 2021: 9). یک بازی ژئوپلیتیکی بر پایه الگوریتم موازنه میان دو کشور شروع خواهد شد که در آن چین به عنوان هژمون منطقه‌ای در شرق آسیا به دنبال توسعه طلبی هرچه بیشتر و توسعه دامنه نفوذ به مناطق مجاور و از آن سو آمریکا به دنبال مهار آن خواهد بود (Yong & Boon, 2024: 2). کشورهای همسایه چین مانند هند، ژاپن، کره، سنگاپور، اندونزی، ویتنام و فیلیپین در جهت موازنه در برابر تهدیدات چین احتمالاً همسویی و حتی اتحاد با آمریکا را در پیش خواهند گرفت (Parameswaran, 2024). در کل به نظر می‌رسد احتمالاً در آینده شرق آسیا آوردگاهی ژئوپلیتیکی باشد که در زیر فشار شدید ساختاری ناشی از رقابت قدرت‌های بزرگی مانند چین، هند، ژاپن، آمریکا شاهد بی‌ثباتی گسترده باشد.

هند به عنوان قطب سوم جهان چند قطبی مطرح شده است. افزایش مداوم قدرت هند و تنش احتمالی این کشور با بازیگرانی مانند چین و پاکستان دیگر چالش مهم برای ثبات شبکه ژئوپلیتیک آسیا خواهد بود (Dutta & Choudhury, 2024: 2). افزایش گسترده قدرت هند سیگنال‌های تهدید را میان این کشور و پاکستان هرچه بیشتر تقویت خواهد کرد (Paul, 2015: 43). اما موضوع مهم‌تر رقابت چین و هند به عنوان دو دشمن قدیمی است (Ball and et al, 2021:169). این دو کشور به عنوان دو قطب قدرت در ساختار جهانی علاوه بر چالش‌های مرزی اختلافات عمیقی در منطقه با یکدیگر دارند (Sitaraman, 2019:1-3). اختلافات مرزی و دیگر چالش‌های حل نشده، گسترش سرسام‌آور هزینه‌های دفاعی و انقلاب واقعی چین در ساختار نیروهای نظامی خود یک تهدید واقعی برای هند محسوب می‌شود (Paul, Larson and et al. 2014: 15). علاوه بر این، ابتکاراتی مانند بریکس، «سازمان همکاری شانگهای»^۱، «بانک توسعه جدید»^۲، «بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی»^۳، «ابتکار توسعه جهانی»^۴، «ابتکار امنیت جهانی»^۵، «طرح کمربند و جاده»^۶ و توسعه طلبی چین در منطقه اقیانوس هند از سوی هند به عنوان اقداماتی کلیدی و زیربنایی در راستای معماری نظامی نوین و هژمونی منطقه‌ای و جهانی این کشور برداشت می‌شود (Stewart-Ingersoll & Frazier, 2010: 65). شرایطی که هند را نیز ناگزیر به رقابت و حرکت به

1. Shanghai Cooperation Organization
2. New Development Bank (NDB)
3. The Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)
4. Global Development Initiative (GDI)
5. Global Security Initiative (GSI)
6. Belt and Road Initiative

سوی موازنه بخشی کرده است (Dutta & Choudhury, 2024: 3). در نخستین اقدام هند افزایش چشمگیر سرمایه‌گذاری در نیروی دریایی و توسعه زرادخانه هسته‌ای خود را در دستور کار قرار داده است. هند به طور پیوسته در حال افزایش تعداد کشتی‌ها، ناوها و زیردریایی‌های نظامی خود در منطقه اقیانوس هند است (Pattanaik, 2024: 5). دیگر اقدام مهم هند برای مقابله با چین و موازنه بخشی در برابر آن تلاش برای همسویی استراتژیک با آمریکا است (Kumar & Krothwal, 2023: 660). هند در دو دهه گذشته به طور گسترده در حال همسویی با آمریکا در جهت معماری ژئوپلیتیکی منطقه به منظور مهار چین است (Tuan Binh & et al. 2024: 65). پیوستن به ترتیباتی دفاعی امنیتی مانند «کوآد»^۱ و «آی‌دو‌یودو»^۲ در این راستا قابل تفسیر است (Wulandari, 2022: 50). در ژئواکونومیک منطقه‌ای نیز به منظور مقابله با طرح کمربند و جاده چین، هند همسو با آمریکا در سپتامبر ۲۰۲۳ «طرح کریدور اقتصادی هند- خاورمیانه- اروپا»^۳ را مطرح کرد (Kumar & Krothwal, 2023: 662).

در کنار این دو کشور باید به افزایش حضور آمریکا در منطقه نیز اشاره کرد. آمریکا به منظور مقابله با چین و رقابت ژئواستراتژیک با این کشور به دنبال تشدید حضور خود در منطقه اقیانوس هند و آرام است. حضور در دریای چین جنوبی و حمایت از تایوان در منطقه اقدامی کلیدی در جهت حصر ژئوپلیتیکی چین از سوی آمریکا تلقی می‌شود (Samaranayake, 2023: 5). علاوه بر این، در سال ۲۰۲۱ با ابتکار آمریکا اولین سپر دفاعی منطقه بر علیه چین تحت عنوان پیمان «آکوس»^۴ با همراهی استرالیا و بریتانیا شکل گرفت. در آوریل ۲۰۲۴ مذاکرات ژاپن و کره جنوبی نیز به منظور پیوستن به آکوس شروع شد. مکانیسم چهار جانبه امنیتی کوآد دیگر چارچوب به رهبری آمریکا بر علیه چین در منطقه است. مکانیسمی که هدف آن یکپارچه کردن اقدامات بازیگرانی مانند هند، ژاپن، استرالیا و آمریکا در جهت مقابله با تهدیدات چین در منطقه است (Miller & et al. 2023: 2). در ذیل کوآد پلاس بازیگرانی مانند نیوزلند، کره جنوبی و ویتنام نیز به بازی اضافه شدند. به این موارد همان گونه که اشاره شد باید رقابت ژئواکونومیک آمریکا با چین در منطقه در قالب کریدور

1. Quadrilateral Security Dialogue
2. I2U2 Group
3. The India-Middle East-Europe Economic Corridor (IMEC)
4. AUKUS

«آی‌مک» را نیز اضافه کرد. برخی کوآد را چارچوبی در جهت شکل‌گیری «ناتوی آسیایی»^۱ می‌دانند. این رویکردی است که از سوی چین حمایت می‌شود (Santoro, 2024: 17). از نظر چینی‌ها اقدامات آمریکا یادآور تلاش‌ها و اقدامات آنان در چارچوب ناتو، سنتو و سیتو در زمان جنگ سرد برای مقابله با شوروی بود. حال آمریکا به دنبال بسط چنین چارچوبی برای مقابله با چین است (Ball and et al, 2021: 171). به طور کلی، سیاست سد مهار آمریکا برای مقابله با چین در منطقه شروع دوره جدیدی از جنگ سرد در آسیا خواهد بود. شرایطی که هرچه بیشتر منطقه را به پرتگاه بی‌ثباتی نزدیک خواهد کرد.

روسیه به عنوان قطب دیگری از ساختار آینده قدرت جهانی بیش از همه کشگری آن معطوف به شبکه ژئوپلیتیک آسیا خواهد بود (Paul and Hall, 1999: 146). روسیه، به عنوان کشوری که در حال تلاش برای احیای نفوذ جهانی خود است معادله ساختار قدرت را پیچیده‌تر و بازی‌های بزرگ ژئوپلیتیکی در مناطقی مانند آسیا را هرچه بیشتر بغرنج‌تر خواهد کرد (Paul, Larson and et al., 2014: 85). آسیای مرکزی، غرب آسیا و قفقاز مناطقی است که روسیه در آن به طور سنتی دارای نفوذ است. البته با درگیری روسیه در بحران اوکراین و فرسایشی آن به نظر حداقل در کوتاه‌مدت چشم‌انداز روشنی برای حضور و نفوذ بیشتر روسیه در منطقه وجود ندارد.

پویایی‌های منطقه با نقش آفرینی بیشتر قدرت‌های منطقه‌ای در حال پیچیده‌تر شدن است. در ژئوپلیتیک غرب آسیا در مقایسه با شرق وضعیت به طور سنتی از گذشته بغرنج بوده است. در دو دهه گذشته با افول هژمونی آمریکا و تسری تمرکز آن به شرق برای مقابله با چین فضا برای رقابت قدرت‌هایی مانند ایران، عربستان، رژیم صهیونیستی و ترکیه بیشتر شده است (Ozturk & Bechev, 2022: 8). متعاقب افزایش رقابت‌ها با شروع بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱ منطقه در بحران عمیقی فرورفته است. گرچه با فروپاشی داعش و سایر گروه‌های تکفیری و نزدیکی ایران و عربستان منطقه با دوره کوتاهی از آرامش روبه‌رو شد. اما این آرامش قبل از طوفان بزرگ بود. با شروع «عملیات طوفان الاقصی»^۲ در اکتبر ۲۰۲۳ بار دیگر شعله‌های آتش در منطقه فوران شد (Al-arian, 2024: 27). رژیم صهیونیستی وارد یک تنش

1. Asian NATO

۲- عربی: عملیة طوفان‌الأقصى یا سیل‌الأقصى و در سطح بین‌المللی: 7 October Hamas-led attack on Israel

گسترده و بی‌سابقه با محور مقاومت شد. حتی تنش میان ایران و رژیم صهیونیستی که چندین دهه در سایه و در «منطقه خاکستری»^۱ در جریان بود به صحنه آمد و تا آستانه یک جنگ تمام عیار پیش رفت. در سوریه نیز به یک باره شرایط با حمله «تحریر الشام» در نوامبر ۲۰۲۴ به حلب و تصرف آن و سایر مناطق مجاور تغییر پیدا کرد (Phillips, 2024: 12). ژئوپلیتیک سوریه احتمالاً بار دیگر کانون تلاقی منافع متضاد قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند چین، روسیه، آمریکا و قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، ترکیه، عربستان و رژیم صهیونیستی خواهد شد. شرایطی که با سقوط بشار اسد و متعاقب آن تلاش‌ها برای پیکربندی ساخت قدرت در آینده این کشور از سوی بازیگران منطقه‌ای و جهانی هرچه بیشتر تشدید خواهد شد.

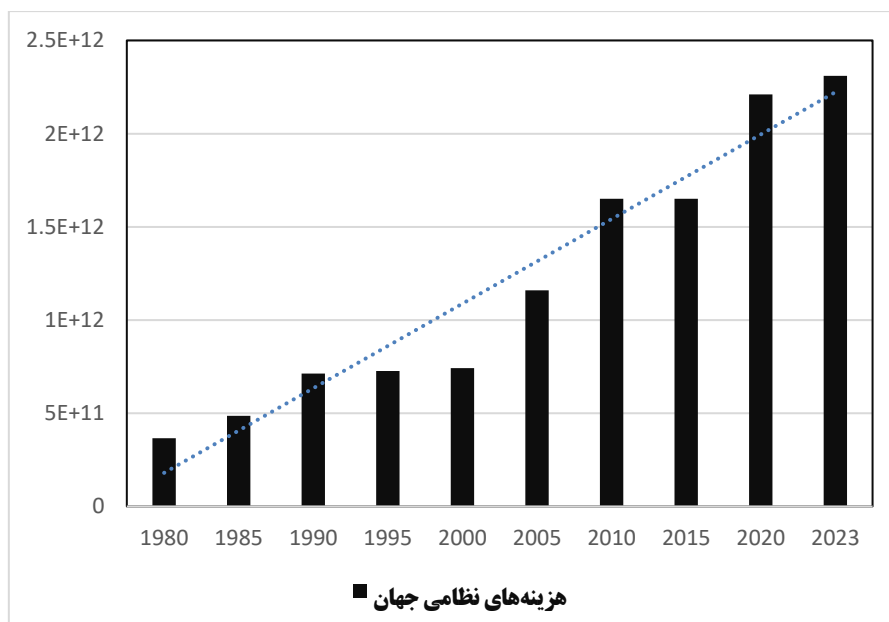
از تشدید رقابت‌ها و تنش‌ها در خوشه ژئوپلیتیکی قفقاز و نیز نقش آن در آینده تحولات در منطقه نمی‌توان چشم‌پوشی کرد (Javadi Arjmand, 2018: 29). تنش میان آذربایجان و ارمنستان و تلاش‌ها پیرامون پیکربندی ژئوپلیتیکی نوین منطقه در جریان است. در این میان ایران در کنار ارمنستان به دنبال حفظ وضع موجود و جلوگیری از تحول ژئوپلیتیک منطقه هستند. از آن سو ترکیه و آذربایجان با همسویی روسیه به دنبال تغییر وضع موجود با طرح «دالان زنگزور»^۲ هستند (Melkonian, 2024). رقابتی و تضادی که به دلیل تعدد و تلاقی منافع متضاد این بازیگران چشم‌انداز روشنی برای آن وجود ندارد.

به طور کلی، بازی‌های ژئوپلیتیکی در شبکه آسیا به طور پیوسته در حال پیچیده شدن و پویایی بیشتر هستند. سازه محیطی منطقه کانون رقابت قدرت‌های بزرگی مانند آمریکا، چین، ژاپن، هند و روسیه خواهد بود. شرایطی که با ایجاد فشار ساختاری هرچه بیشتر ثبات شبکه ژئوپلیتیک آسیا را شکننده خواهد کرد. اما این تنها منبع فشار ژئوپلیتیکی و بی‌ثباتی در منطقه نخواهد بود. رقابت قدرت‌های منطقه‌ای مهمی مانند ایران، کره شمالی، کره جنوبی، ترکیه، عربستان، پاکستان، اندونزی و استرالیا با یک‌دیگر نیز بعد دیگر بازی خواهد بود. رقابت و تنش برخی از این قدرت‌ها با قدرت‌های بزرگ نیز بعد سوم بی‌ثباتی در منطقه خواهد بود. با این اوصاف، احتمالاً طی ۱۰ یا ۲۰ سال آینده، مسابقه تسلیحاتی، تشدید رقابت‌ها و تنش‌ها به طور فزاینده‌ای در صفحه ژئوپلیتیک آسیا باعث تقویت نظامی‌گری و رقابت‌های نظامی و حتی احتمالاً جنگ خواهد شد.

1. Gray Zone
2. Zangezur Corridor

۳-۶- افزایش هزینه نظامی: مهیا شدن بستر برای بی ثباتی

جهان با بالاترین و بی سابقه‌ترین افزایش در هزینه‌های نظامی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ روبه‌رو شده است. در سال ۱۹۸۰ میزان هزینه‌های نظامی جهان ۳۶۶/۱ میلیارد دلار بود. دو دهه بعد یعنی در سال ۲۰۰۰ این میزان به ۷۱۹/۹ میلیارد دلار رسیده بود. به عبارتی در طی دو دهه هزینه‌های نظامی جهان ۳۵۳/۸ میلیارد دلار افزایش یافته بود. اما طی دو دهه بعد بارش‌های گسترده‌تری در هزینه‌های نظامی جهان از ۲ تریلیون دلار عبور کرده بود. در طی دو دهه گذشته هزینه‌های نظامی جهان بیش از ۱ تریلیون و ۳۰۰ میلیارد دلار یعنی بیش از ۱۷۷ درصد افزایش یافته است (The Military Balance, 1981, 2001, 2024).



نمودار ۳. روند هزینه‌های نظامی جهان از ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۳

(IISS, 1981, 1986, 1991, 1996, 2001, 2006, 2011, 2016, 2023, 2024 & Data World Bank)

این بیش از هر چیزی به دلیل تضعیف نظم هژمونیک و متعاقب آن آشوبناک شدن سیستم بین‌المللی است. شرایطی که سبب پیچیده‌تر شدن معمای امنیتی برای دولت‌ها و تلاش آن‌ها برای غلبه بر این شرایط شده است. به تعبیری دقیق، با کاهش قدرت هژمونی آمریکا و آغاز عقب‌نشینی

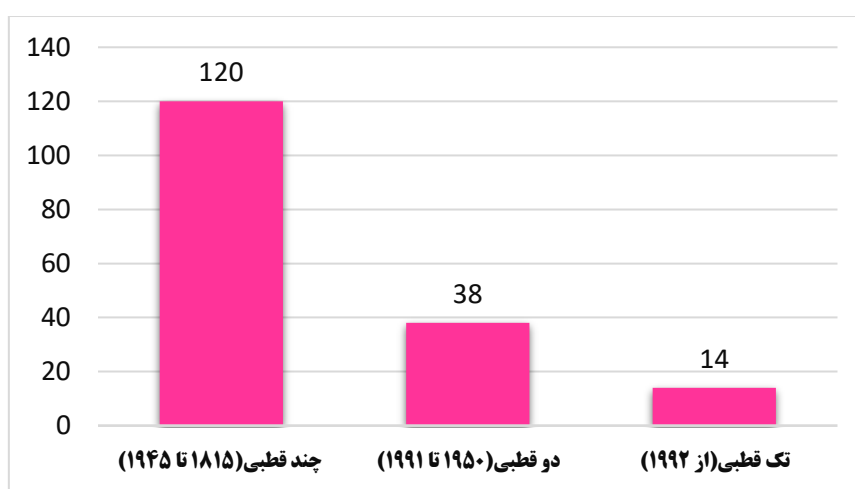
و کاهش تعهدات جهانی این کشور و شکل‌گیری خلأ قدرت در مناطق، رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای برای توسعه قدرت و نفوذ منطقه‌ای افزایش یافته است. این به معنای افزایش تنش‌ها و تضادهای منطقه‌ای و جهانی بوده است. تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی نیز ارتباط مستقیمی با افزایش هزینه‌های دفاعی در جهان دارد. افزایش هزینه‌های دفاعی نیز نشان می‌دهد که جهان در حال آماده شدن برای یک دوره طولانی رقابت استراتژیک است (Ball and et al, 2021: 220). رقابتی که برآیند آن بی‌ثباتی بیشتر در سازه محیطی سیستم است.

۳-۷- تحول در سازه کنترل نظم: بازگشت دوباره اتحادها به معادله ثبات استراتژیک جهانی و منطقه‌ای

این حقیقتی گریزناپذیر است که دولت‌ها به دنبال صیانت از خود هستند (Melvin & Singer, 1969: 10). این هدف در شرایط بی‌ثباتی و آشوب اهمیت دوچندان پیدا می‌کند (Singer, 1972: 13). اما دستیابی به این هدف نیاز به ابزار و مکانیسم‌های خاصی دارد (Guetzkow, Harold & Singer 1980: 89). به نظر افزایش هزینه‌های نظامی و تقویت توان نظامی با تکیه بر «خودداری»^۱ بهترین پاسخ برای رفع این نگرانی دولت‌ها باشد (Gilber, 2008: 52). اما عدم ابهام و عدم قطعیت در ارتباط با توانایی دیگران و همچنین ضعف توانایی‌ها، گاهی دولت‌ها را با وجود ترس ناشی از اعتماد به دیگران، ناگزیر به همکاری و کمک گرفتن از دیگران می‌کند (Moul, 1992: 14). البته، دولت‌ها مجبور به اعتماد به دیگران و همکاری جمعی می‌شوند (Kim, 2016: 125) از آن جهت که چاره دیگری ندارند و توانایی آن‌ها به تنهایی برای مقابله با تهدیدات کفایت نمی‌کند (Suzuki, Krause & Singer 2002: 77). ریسک مقابله یک دولت کوچک و ضعیف در برابر تهدید یک قدرت بزرگ بسیار بالاست (Gilber & Sarkees 2004: 55). در چنین شرایطی شانس پیروزی بسیار پایین است. همچنین احتمال از دست دادن موجودیت و بقا نیز وجود دارد. چنین دولت‌هایی در راستای جبران ضعف خود در چنین شرایطی گریزی جز کمک گرفتن از دیگران ندارند (Wayman, 1984: 9). این داستان تولد اتحادهای نظامی در سراسر تاریخ بشر است.

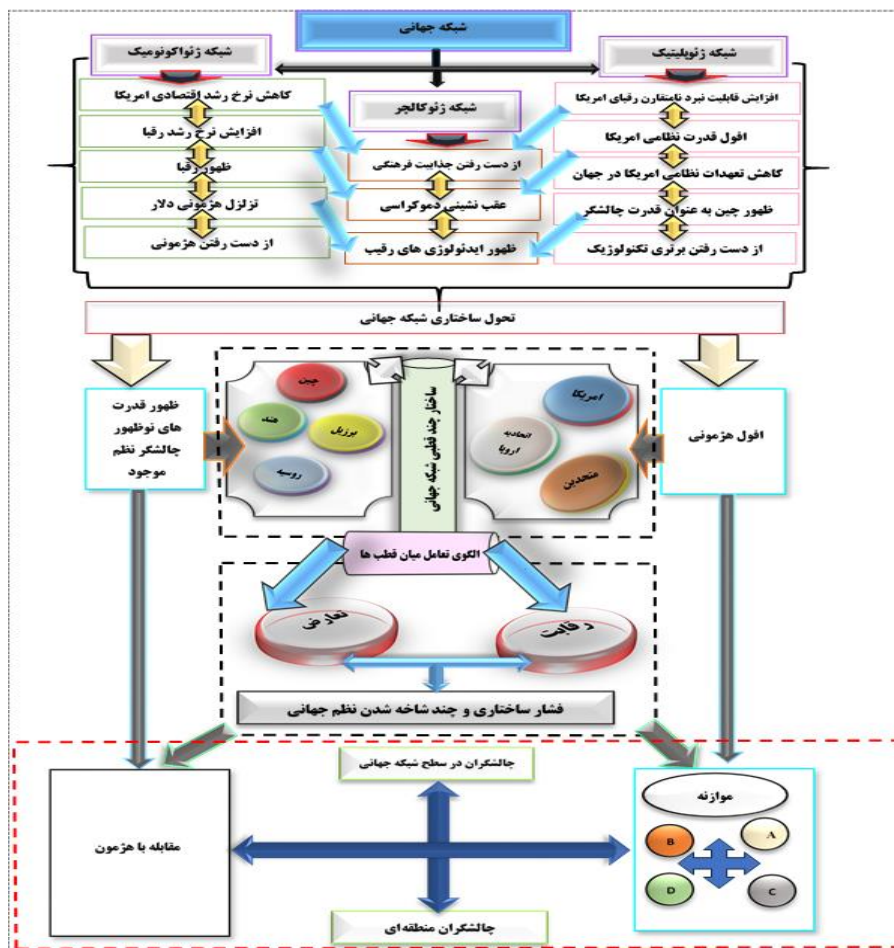
1. Self-Help

تاریخ روابط بین‌الملل گویای ارتباط وثیق میان تعداد اتحادهای نظامی و ساختار قدرت در سیاست بین‌الملل است (Singer, 2006: 27). به این معنا که هر زمان که توزیع قدرت در سیاست بین‌الملل متکثر و پراکنده بوده در آن سو اتحادهای نظامی فراوانی داشته‌اند (Scheffran, 2000: 8). اما زمانی که توزیع قدرت متمرکز و سلسله‌مراتبی بوده و نظم هژمونیک، اتحادهای نظامی نیز از فراوانی کمتری برخوردار بوده‌اند (Moul, 1992: 20).



نمودار ۴. تعداد اتحادهای نظامی در ساختار قدرت چند قطبی، دو قطبی و تک قطبی (Correlates of War, Formal Alliances (v4.1), Douglas M. Gibling, International military alliances 1648-2008)

بر پایه روندهای موجود می‌توان چنین پیش‌بینی کرد که در آینده با چند قطبی شدن ساختار قدرت در سیاست بین‌الملل احتمالاً بار دیگر اتحادهای نظامی گسترش خواهند یافت. به این معنا که با گذار از نظم هژمونیک به نظم موازنه، اتحادها به عنوان ابزار موازنه با فراوانی بیشتری روبه‌رو خواهند شد. به تعبیر دقیق‌تر قدرت‌های بزرگ در یک ساختار چند قطبی فعالانه در راستای ایجاد تعادل به دنبال متحدان نظامی خواهند بود.



نتیجه گیری

آیا افول آمریکا صرفاً گزاره‌ای کلیشه‌ای است که از سوی دشمنان و یا حتی دوستان بدبین در رسانه‌ها مطرح می‌شود؟ پاسخ به این پرسش منفی است. چرا که تحولات دو دهه گذشته آمریکا و تنزل جایگاه این کشور در سطح ساختار و نظم جهانی حکایت از تحولی جدی و اساسی دارد. این کشور در چهار بعد قدرت جهانی یعنی تولید، مالیه، امنیت و دانش با شرایط متزلزلی روبه‌رو شده است. برآیند نهایی شرایط حکایت از این دارد که آمریکا دیگر تنها قدرت بزرگ جهانی نیست.

هژمونی و یک‌جانبه‌گرایی آمریکای آمریکا به طور پیوسته در حال رنگ باختن است. اما این شرایط یعنی زوال هژمونی آمریکا دارای پیامدهای مهمی برای سیاست بین‌الملل است. در سطح ساختار قدرت سیستم در حال گذار از ساختی یک قطبی به ساختی چند قطبی است. آمریکا، چین، هند، روسیه و سایر قدرت‌های نوظهور چینش و آرایش جدیدی از قدرت را در سطح ساختار شکل خواهند داد. در سطح نظم جهانی نیز متعاقب تغییر در ساخت قدرت، شاهد زایش یک نظم موازنه چند پیکری خواهیم بود. مجموعه‌ای از بازیگران وارد معادله موازنه قدرت جهانی خواهند شد. نظم جهانی ماهیتی شبکه‌ای و تار عنکبوتی خواهد یافت که در آن مجموعه از بازیگران در حال تعادل بخشی استراتژیک در برابر یک‌دیگر هستند. با افول نظم دستوری و هژمونیک آمریکا بیش از همه قدرت‌های منطقه‌ای مجال برای خودنمایی خواهند یافت. قدرت‌های منطقه‌ای نیز به بازی‌های ژئوپلیتیکی در سازه محیطی سیستم جهانی اضافه خواهند شد. با افزایش طرف‌های درگیر هزینه‌های دفاعی هر چه بیشتر افزایش خواهد یافت. جهان هر چه بیشتر به سوی تشدید تنش‌ها و بی‌ثباتی رهنمون خواهد شد. احتمالاً متعاقب نظم موازنه در سازه محیطی سیستم جهانی، اتحادهای نظامی همانند قرن نوزدهم گسترش خواهند یافت. شبکه‌ای از همسویی‌ها و اتحادها برای مقابله با رقبا در سازه سیستم شکل خواهد گرفت. به طور کلی می‌توان استنتاج کرد که جهان بیش از هر زمانی در حال حرکت به سوی یک تحول سرنوشت ساز دیگری است. از آن دست تحولات که معمولاً در هر سده رخ داده‌اند. هر زمان که قدرت برتر جهانی با تنزل جایگاه روبه‌رو شده متعاقب آن سیستم تحولات شگرفی را تجربه کرده است. بنابراین، در دو الی چهار دهه آینده به تدریج سازه محیطی سیستم با پیکربندی ژئوپلیتیکی نوینی روبه‌رو خواهد شد. اما این که زایش این نظم دردناک و توأم با تنش باشد یا آرام و تدریجی، به استراتژی طرف‌های درگیر بستگی دارد. به این معنا که آیا جهان با یک جنگ بزرگ و سرنوشت ساز و متعاقب آن دور جدیدی از نظم روبه‌رو می‌شود و یا به آرامی همه چیز تغییر خواهد کرد، به تحولات آینده بستگی دارد. اما تحولات در اوکراین، غرب آسیا، شمال آفریقا، رویارویی احتمالی چین و آمریکا در تایوان و دریای چین جنوبی و سایر رخدادهای مشابه حکایت از طوفانی بزرگ قبل از شکل‌گیری نظم جدید جهانی است.

شرایط گذار قدرت برخی از واحدهای منطقه‌ای مانند جمهوری اسلامی ایران را به دلیل موقعیت کانونی در شبکه ژئوپلیتیک جهانی تحت فشار شدید ساختاری قرار خواهد داد. چنین شرایطی

الزامات و استراتژی‌های خاصی را در حوزه‌های سیاست خارجی و دفاعی امنیتی طلب می‌کند. در زمان دو جنگ جهانی اول و دوم و در شرایط گذار قدرت آن زمان استراتژی «بی‌طرفی» و «همسویی» نیم‌بند ایران برآیند آن اشغال کشور توسط بیگانگان بود. موقعیت کنونی ایران به آن امکان بی‌طرفی و استقلال استراتژیک را نمی‌دهد. با این وجود کارآمدترین استراتژی برای ایران در شرایط گذار قدرت و شرایط ناشی از آن چیست؟ با افزایش شدت و گستره تهدیدات ناشی از گذار در چرخه قدرت جهانی برای ایران، «تنهایی و استقلال استراتژیک» یک تهدید بزرگ محسوب می‌شود. در شرایط حاضر با نزدیک شدن سیستم به فاز تکثر ساختار قدرت و شکل‌گیری چند قطب عمده قدرت جهانی، تنوع بخشی و گسترش شبکه ژئوپلیتیکی ایران ضروری است. چنین شرایطی نیازمند گسترش روابط با آسیا، اروپا و دیگر مناطق در ژئوپلیتیک جهانی است. پیوستن به کریدورهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک منطقه‌ای با ایجاد گره‌ها و حلقه‌های پیوندی علاوه بر تعادل بخشی ژئوپلیتیکی در موازنه قدرت منطقه‌ای و جهانی، امکان تعادل تهدید و شکل‌گیری بازدارندگی شبکه‌ای ارتباط محور را نیز برای ایران به ارمغان خواهد آورد. چنین مکانیسمی با تحمیل و تسری هزینه‌های تخصیص بر علیه ایران در سراسر شبکه، منطق تهدید ایران را جمعی خواهد کرد. همچنین همسویی متوازن و شراکت استراتژیک با قدرت‌های تجدیدنظرطلب نوظهور جهانی نیز در راستای تعادل بخشی استراتژیک در برابر آمریکا در ژئوپلیتیک جهانی برای ایران ضروری است. اما بدون ایجاد حلقه‌ها و گره‌های پیوندی در ژئواکونومیک منطقه‌ای با این بازیگران، همسویی با آنها تبدیل به مشارکت استراتژیک نخواهد شد. البته این به معنای اتحاد رسمی نخواهد بود. پیوستن به رژیم‌های امنیتی رسمی در چنین شرایطی برای ایران مخاطرات جدی خواهد داشت. از یک سو خطر «رها شدن»^۱ و «تله افتادن»^۲ در یک تنش ناخواسته در محیط آشوبناک غرب آسیا وجود دارد. از سوی دیگر چنین مکانیسم‌هایی با خطی کردن بازی ژئوپلیتیکی ایران با قدرتی مانند آمریکا و کاهش ابهام استراتژیک، منطق بازدارندگی را تضعیف خواهد کرد.

1. Buck-passing
2. Chain-ganging

فهرست منابع

- بایزیدی، رحیم. (۱۴۰۰). گذار از نظم اقتصاد سیاسی بین‌الملل آمریکا محور: روند پژوهی کاربردی ابزار تحریم و جهان‌روایی دلار، فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا، (۱)، ۹۷-۱۱۸.
- سعیدی، روح‌الامین. (۱۴۰۰). تحلیل چيستی، چرایی و چگونگی افول آمریکا از منظر تئوری چرخه‌های بلند، فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا، (۱)، ۵-۲۹.
- کاشیان، عبدالمحمد. (۱۴۰۰). تحلیلی بر ماهیت احتضار سرمایه‌داری و افول قدرت اقتصادی آمریکا، فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا، (۱)، ۳۱-۴۹.
- Azevedo, Daniel & et al. (2024). An Evolving BRICS & the Shifting World Order: <https://www.bcg.com/publications/2024/brics-enlargement-and-shifting-world-order>
- Alterman, Lily, M. (2022). Pursuing Global Order in the Twenty-First Century. Published by: CSIS.
- Acharya, A. (2020) The End of American World Order. Wiley.
- Ashraf, U. (2020). Revisiting international relations legacy on hegemony: The decline of American hegemony from comparative perspectives. Review of Economics and Political Science ahead-of-print: 10.1108/REPS-05-2019-0061.
- Abrahamsen R., Williams, M.C. (2009). Security beyond the state: Global security assemblages in international politics. *International Political Sociology* 3: 1-17.
- Adel, N. (2021). The crescent of Influence: The rise of Iran as a regional power in the middle east. *Journal of EGSM*, Vol. 1, No 53.
- Allison, G. (2017). Destined for War: Can America and China Escape Thucydides's Trap? Houghton Mifflin Harcourt.
- AL-Arian, S. (2024). Palestine and the Arab Regional Order. *Insight Turkey*, Vol. 26, No. 2, pp. 21-34.
- Alterman, J.B., McElwee, L. (2022). Pursuing Global Order in the Twenty-First Century, Published by: CSIS.
- Bekkevold, J.I. (2024). China Has Become Powerful Before It Is Ric, Published by: Foreign Policy.
- Brzezinski, Z. (2016). The Grand Chessboard: American Primacy and Its Geostategic Imperatives. Basic Books.
- Blaikie, N. (2009). Designing Social Research: The Logic of Anticipation, Polity Press.
- Berls, R.E. (2021). Strengthening Russia's Influence in International Affairs. Part I: The Quest for Great Power Status, Published by Nuclear Threat Initiative.
- Barnett, M., Duvall, R. (2005). Power in International Politics. *International Organization*, Vol. 59, No. 1, pp. 39-75.
- Baram, A. (2021). The socioeconomic cost of Iran's hegemony, GIS Reports.
- Ball, Desmond., et al. (2021). Asia's New Geopolitics: Military Power and Regional Order. Routledge.
- Benabdallah, L. (2021). Shaping the Future of Power. University of Michigan Press.
- Brooks, Stephen G., Wohlforth, W.C. (2008). World Out of Balance. Princeton University Press.
- Brzezinski, Z., Mearsheimer, J.J. (2009). Clash of the Titans, Published by Foreign policy.

- Bechev, D., Öztürk, A.E. (2022). Competing over Islam: Turkey, Saudi Arabia, and Iran in the Balkans: <https://www.mei.edu/publications/competing-over-islam-turkey-saudi-arabia-and-iran-balkans>
- Chivvis, C., et al. (2023). South Africa in the Emerging World Order, Published by: Carnegie endowment for international peace.
- CFR.org Editors. (2024). The U.S.-Japan Alliance: <https://www.cfr.org/backgrounder/us-japan-alliance>
- Coward, M., et al. (2024) On the horizon: The futures of IR. Cambridge University Press.
- Cordesman, A.H. (2023). China's Emergence as a Superpower. Published by: CSIS.
- Cropsey, S. (2018). Seeking Stability in The Structure of Power. Published by Hoover Institution.
- Carranza, M.E. (2014). Rising Regional Powers and International Relations Theories: Comparing Brazil and India's Foreign Security Policies and Their Search for Great-Power Status. *Foreign Policy Analysis*, 10.1111/fpa.12065, pp1–23.
- Doshi, R. (2021). The Long Game: China's Grand Strategy to Displace American Order. Oxford University Press.
- Daalder, I., et al. (2022). The Changing World Order. Published by: foreign affairs.
- Dalio, R. (2021). Principles for Dealing with the Changing World Order: Why Nations Succeed and Fail. Avid Reader Press.
- David, M.P. (2022). China's Belt and Road and the New World Order: Geopolitical Threat or Risks and Opportunities of Interdependence? Published by: IGI-global.
- Dasgupta, A., McLain Gill, D. (2023). Geopolitical Flux and the Future of International Relations: <https://www.isdp.eu/people/amit-dasgupta/>
- Denemark, R., et al. (2000). World System History: The social science of long-term change. Routledge.
- Dutkiewicz, P., et al. (2021). Hegemony and World Order: Reimagining Power in Global Politics. Routledge.
- Deutsch, K. David Singer, W. J. (1964). Multipolar Power Systems and International Stability. *World Politics* 16. 3. 390–406.
- Dutta, S., Choudhury, D. (2024). Balancing Tides: India's Competition with China for Dominance of the Indian Ocean Region: <https://www.asiapacific.ca/publication/balancing-tides-indias-competition-china-dominance-indian>
- Ehtisham, K. (2023). The Role of Regional Powers in the Contemporary Complex GeoPolitical Environment, Published by: Pakistan Army (CSAG/CCJ5).
- Engelhardt, T.M. (2007). The End of Victory Culture: Cold War America and the Disillusioning of a Generation. University of Massachusetts Press.
- Economy, E. (2024). China's Vision for a New World Order, Published by: foreign affairs.
- Ebert, H., Flandes, D. (2018). Regional Powers and Contested Leadership. Springer International Publishing; Palgrave Macmillan.
- Friedman, G. (2009). The next 100 years: A forecast for the 21st century. Random House. Inc., New York.
- Feng, H., He, K. (2018). US-China Competition and the South China Sea Disputes. Routledge.
- Grinin, L., Korotayev, A. (2023). Evolution of World Order, The Future of Revolutions in the 21st Century and the World System Reconfiguration, Published by: Political Science.
- Guillen, A., Cortés, I. (2023). The Decline of American Hegemony: Biden's Foreign Policy Towards China. *Agrarian South*, Volume 12, Issue 3.

- Guetzkow, H., Singer, J.D. (1980). The Correlates of War. Vol. 1: Research Origins and Rationale. Vol. 2: Testing Some Realpolitik Models American Political Science Review / 12 Vol. 74; Iss. 4.
- Gibler, D.M. (2008). International Military Alliances 1648–2008. CQ press.
- Herman, A.L. (2007). The Idea of Decline in Western History. Free Press.
- Ikenberry, G., John, E. (2002). America Unrivaled: The Future of the Balance of Power (Ithaca, N.Y.: Cornell University Press.
- Javadi Arjmand, M.J. (2018). Iran and Turkey in the South Caucasus: Competition and Cooperation. *Journal of Iran and Central Eurasia Studies* 1, 1, 15-31.
- Khan, U. (2024). The Decline of American Hegemony and the Emergence of Multipolar World Order: <https://spinetimes.pk/the-decline-of-american-hegemony-and-the-emergence-of-multipolar-world-order/>
- Kynge, J. (2024). Beijing's new world order, Published by: Financial Times.
- Kissinger, H. (2023). Henry Kissinger explains how to avoid World War three, The economist.
- Kissinger, H. (2012) On China. Penguin Books Press.
- Kissinger, H. (2015) WORLD ORDER: Reflections on the Character of Nations and the Course of History. Penguin Books.
- Kuma, N., Krothwal, I. (2023). Theater of India-China strategic rivalry: The Indian Ocean. *Comparative Strategy*, Volume 42, - Issue 5.
- Kim, T. (2016). The Supply Side of Security: A Market Theory of Military Alliances. Stanford University Press.
- Levent, S. (2024). Changing Balance of Power in the Global Setting and “Century of Türkiye” Vision. *Asia-Pacific Review*, Volume 31. 2024 - Issue 2.
- Lake, David A., Morgan, P.M. (1997). Regional Orders: Building Security in a New World. Penn State University Press.
- Lemke, D. (2002). Regions of war and peace. Cambridge University Press.
- Monticone, R.C. (2008). The Changing Balance of Power. New York. Knopf.
- Modleski, G. (1987). Long Cycles in World Politics. the Macmillan press Ltd.pp7_240.
- Modleski, G. (2008). Globalization as Evolutionary Process Modeling Global Change. Rutledge.
- Mandelbaum, M., Friedman, T. (2011). That Used to be Us: How America Fell Behind in the World It Invented and How We Can Come Back. Picador Press.
- Mearsheimer, J.J. (2014). The Tragedy of Great Power Politics. W. W. Norton & Company.
- Men, H. (2020). Order of East Asia: Regional Transformation. Competition among Main Powers. and China's Strategy. Springer Singapore; Springer.
- Mearsheimer, J.J. (2021). The Inevitable Rivalry: America, China, and the Tragedy of Great-Power Politics, Published by foreign affair.
- Melkonian, S. (2024). Russia and Iran in the South Caucasus: Intersection and Clash of Interests: <https://mediamax.am/en/column/121547/>
- Miller, M., et al. (2023). Gaps in the U.S. Approach to Indian Ocean Security, Published by: Council foreign Relations.
- Moul, W. (1992). Polarity, balances of power and war: Explaining some puzzling correlates of war project results. *International Interactions: Empirical and Theoretical Research in International Relations*, 18:2, 165-193.
- Nye, J. (2023). India and the Global Balance of Power. Project Syndicate.
- Nel, P., Nolte, D. (2010). Introduction: special section on regional. *Review of International Studies*, Volume 36 / Issue 04 / October 2010, pp 877 – 879.
- Prys-Hansen, M., Frazier, E. (2024). The regional powers research program: a new way forward. *International Politics*, Volume 61, pages 1–12.

- Pillsbury, M. (2015). *The Hundred-Year Marathon: China's Secret Strategy to Replace America as the Global Superpower*, St. Martin's Griffin.
- Patomäki, H. (2023). *World Statehood: The Future of World Politics*. Published by: Democracy without borders.
- Paul, T.V., James, W., Michel, F. (2004). *Balance of Power: Theory and Practice in the 21st Century*. Stanford. CA: Stanford University Press.
- Paul, T.V. (2018). *Restraining Great Powers: Soft Balancing from Empires to the Global Era*. Yale University Press.
- Paul, T.V., Morgan, Patrick M., Wirtz, J.J. (2009). *Complex Deterrence: Strategy in the Global Age*, University of Chicago Press.
- Pardy, G. (2020). *China in a Changing World*, The Hague Centre for Strategic Studie.
- Pattanaik, S. (2024). *China-India rivalry in the Indian Ocean*: <https://kathmandupost.com/columns/2024/03/14/china-india-rivalry-in-the-indian-ocean>
- Parameswaran, P. (2024). *Winning the China-US Narrative Competition in Southeast Asia*: <https://thediplomat.com/2024/02/winning-the-china-us-narrative-competition-in-southeast-asia/>
- Phillips, C. (2024). *What next for Syria, Assad and HTS?* Published by: Chatham house.
- Rizzi, A. (2023). *How the changing balance of power is shaking up the world*, Published by: elpais.
- Ray, D. (2021) *Principles for Dealing with the Changing World Order: Why Nations Succeed and Fail*. Avid Reader Press.
- Schweller, R.L. (1997). *New Realist Research on Alliances: Refining, Not Refuting*. *American Political Science Review*. 91 (4): 927-930.
- Stewart-Ingersoll, R., Frazier, D. (2010). *India as a regional power: Identifying the impact of roles and foreign policy orientation on the South Asian security order*. *Journal Asian Security*, Volume 6, Issue1, PP 51-73.
- Samaranayake, N. (2023). *Why the U.S. Wants to Step Up Engagement in the Indian Ocean*, Published by: United States Institute of Peace.
- Santoro, D. (2024). *Don't forget the "Indo" side of the Indo-Pacific: how the United States should approach the Indian Ocean Region*, Published by: Pacific Forum.
- Small, M., Singer, J.D. (1969). *Formal Alliances, 1816-1965: An Extension of the Basic Data*. *Journal of Peace Research*, Vol. 6, No. 3, pp. 257-282.
- Suzuki, S., Krause, V., Singer, J.D. (2002). *The Correlates of War Project: A Bibliographic History of the Scientific Study of War and Peace, 1964-2000*, *Conflict Management and Peace Science* 2002 / 01 Vol. 19; Iss. 2.
- Singer, D. (2006). *Stuart Bremer and the Inductive-Deductive Issue in the Correlates of War Project, 1970-2002*, *International Studies Perspectives* Vol. 7; Iss. 4.
- Singer, D. (1972). *The "Correlates of War" Project: Interim Report and Rationale*, *World Politics / Volume 24 / Issue 02 /*, pp 243 - 270.
- Scheffran, J. (2000). *Power Distribution, Coalition Formation and Multipolar Stability in International Systems: The Case of Southeast Europe*, *IFAC Proceedings Volumes*, Volume 33.
- Stewart, C. (2024). *Think Bigger, Act Larger: A U.S.-Australia Led Coalition for a Combined Joint Deterrence Force in the Indo-Pacific*, Published by: Carnegien endowment for international peace.
- Smith, D. (2024). *US and Japan announce new military agreements aimed at countering China*, Published by: The Guardian.

- Tuan, Nguyen B., et al. (2024). Geopolitical Competition Between India and China in the Indian Ocean Region: The Case of Myanmar, *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, Vol 13 No 6.
- U.S. Naval Institute Staff. (2024). Report on U.S.-China Strategic Competition in South and East China Seas: <https://news.usni.org/2024/08/28/report-on-u-s-china-strategic-competition-in-south-and-east-china-seas-3>
- Varisco, A.E. (2013). Towards a Multi-Polar International System: <https://www.e-ir.info/2013/06/03/towards-a-multi-polar-international-system-which-prospects-for-global-peace/>
- Volgy, Thomas J., et al. (2011) *Major Powers and the Quest for Status in International Politics*, Palgrave Macmillan.
- Wang, H., Miao, Lu. (2022). *China and the World in a Changing Context: Perspectives from Ambassadors to China*, Springer.
- Walt, S. (2018). *The Hell of Good Intentions: America's Foreign Policy Elite and the Decline of U.S. Primacy*, Publisher: Farrar, Straus and Giroux.
- Walton, D. (2007) *Geopolitics and the Great Powers in the Twenty-first Century Multipolarity and the revolution in strategic perspective*, published by Routledge.
- Wulandari, W. (2024). Rivalry between China and India in the Indian Ocean, *BHUVANA Journal of Global Studies*, VOL. 2 NO.2.
- Wayman, F.W. (1984). Bipolarity and War: The Role of Capability Concentration and Alliance Patterns among Major Powers, 1816-1965, *Journal of Peace Research* / 01 Vol. 21; Iss 1.
- Yin Li, Hak. (2021). *China's New World Order; Changes in the Non-Intervention Policy*: <https://www.e-elgar.com/shop/gbp/china-s-new-world-order>.
- Yusuf, S., Nabeshima, K. (2010). *Changing the Industrial Geography in Asia: The Impact of China and India*, World Bank Publications.
- Yong, Keng O., Boon, T.H. (2024). *US-China Strategic Competition and Southeast Asia: Enhancing Global Governance in a Fragmented World*, pp 205–214.
- Zakaria, F. (2008) *The Post-American World*, W. W. Norton & Company Pres

